



استقلال در طول فصلی است که حالا فقط سه هفته به پایان آن باقی مانده است؛ فصلی کابوسی‌وار که استقلالی‌ها اصلاً نمی‌خواهند در تاریخ فوتبال ثبت و ضبط شود.

بوده مردانی که هیچ‌کدام نتوانستند تا اینجا کار دست استقلال را بگیرند.

آنچه در پی می‌آید نگاهی گذرا به عملکرد شش سرمربی

از قبل در گرداب فرو رفت. استقلال به جز این تغییرات در طول لیگ هفت بار کادر فنی خود را تغییر داد که حاصل آن حضور شش سرمربی روی نیمکت این تیم

«هلدینگ» برنده واقعی واگذاری استقلال

امید به جام حذفی در پایان فصل کابوسی‌وار

حاشیه‌های چیزی برای استقلال نداشتند و با خریدهای پر مسئله عملاً کاری کردند که استقلال پیش از با گذشتن در مسابقات لیگ با حاشیه روبه‌رو شد. استقلالی که فصل قبل تا پای قهرمانی پیش رفته بود، فصل را چنان پرنوسان شروع کرد که همه فهمیدند زیاد نباید به این تیم امید بست و این نبود مگر ناکارآمدی و سوءمدیریت سمعی و شهریاری که عملاً استقلال را به ورطه نابودی می‌کشاند.

بالاگرفتن کار و مشخص شدن ناتوانی این دو نفر در مدیریت استقلال، مدیرعاملی باشگاه به یک چهره آشنا و البته امتحان‌پس‌داده رسید؛ علی نظری‌جویباری که قبلاً هم در استقلال حضور داشت و اتفاقاً چندان موفق هم نبود. یک نام سیاسی و اقتصادی هم به عنوان رئیس هیئت مدیره معرفی شد، علی تاجرنیا، امید این بود که با این تغییرات گره باز شود اما نشد و استقلال بیشتر

می‌رسید اما اوضاع فاجعه‌بار استقلال آنقدر جلوی چشم بود که حتی پرونده‌های مالی هلدینگ را هم زیر سایه خود برد تا واقعاً بتوان اینگونه نتیجه گرفت که از این واگذاری آن که سود برد هلدینگ بود. مدیریت هلدینگ تقریباً چیزی از فوتبال نمی‌دانست و شاید همین مسئله هم باعث شد مدیریت استقلال دست کسانی بفتد که بدتر از مدیریت هلدینگ فقط ادعای استقلالی بودن داشتند نه دانش مدیریت فوتبال؛ تغییرات گسترده در کادر فنی و مدیریت ثمره حضور چنین افرادی در رده‌های تصمیم‌گیری باشگاه بود؛ اتفاقاتی که کار را به جایی رساند که امروز شاهد آن هستیم. لیگ از دست رفت و و حالا تنها مانده یک امیدواری به فتح جام حذفی که آن هم کار ساده‌ای نیست.

استقلال فصل را با اسمعی و شهریاری به عنوان مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره آغاز کرد؛ دو نام که جز سروصدا و

استقلال فصل عجیب و غریبی را پشت سر می‌گذراند. درست از روزی که آبی‌های تهران را به هلدینگ خلیج‌فارس واگذار

کردند، حاشیه‌ها هم شروع شد و آن که بیشتر از همه از این حواشی ضربه خورد، تیم استقلال بود و هوادارانی که فکر می‌کردند با مالک جدید روزهای خوشی را خواهند دید اما حالا همه منتظر هستند تا کابوس تمام شود؛ لیگ به پایان برسد و جام حذفی تمام شود تا شاید با قهرمانی در این دومی بتوانند حداقل چند صبحی بدون نگرانی سر کنند و منتظر باشند و ببینند هلدینگ خلیج‌فارس چه برنامه‌ای برای فصل بعد دارد.

استقلال ضرر کرد و درست در نقطه مقابل هلدینگ تا دل‌تان بخواهد نامش بر سر زبان‌ها افتاد، هر چند جسته و گریخته خبرهایی از برخی پرونده‌های مالی به گوش

گزارش
شیوا نوروزی
دنیا جیدری

«نکونام» پر حاشیه و ناکام

نیمکت استقلال محله بروبیایی است که هر لحظه احتمال تغییرات در آن وجود دارد و نباید از نشستن مربیان ناشناس و ناموفق روی این نیمکت تعجب کرد. فصل بیست‌وچهارم برای آبی‌ها با سرسرمیگری جواد نکونام شروع شد؛ همان مربی پر حاشیه‌ای که با استقلال به خاطر همان حواشی جام قهرمانی را از دست داد. استقلال فصل گذشته با یک امتیاز کمتر نایب‌قهرمان شد و به رغم همه اختلافات داخلی خبری از تغییر سرمربی نشد. بایسته چهل‌های لفظی نکونام و فرشیده سمعی، مدیرعامل وقت کاملاً آشکار شده بود، اما مدیران باشگاه ترجیح دادند با همان کادرفنی کار را پیش ببرند. این تصمیم آغازی بود برای سقوط آزاد استقلال در لیگ و کسب نتایج ضعیف. هنوز فصل جدید استارت نخورده بود که بار دیگر نکونام و سمعی با تمام قوا علیه هم موضع‌گیری کردند و برای نشان دادن قدرت خود هر کاری از دست‌شان برمی‌آمد انجام دادند. تشخیص وضعیت بحرانی تیم اصلاً کار دشواری نبود ولی آقایان ترجیح دادند با همین دست‌فرمان پیش بروند. پرواض بود که نکوی پرمدها به این راحتی‌ها حاضر به ترک نیمکت تیم محبوبش نیست، منتها نتایج ضعیف خیلی زود آژیر قرمز را در اردوگاه آبی‌ها به صدا درآورد. پیروزی ۲ بر یک مقابل شمس‌آذر برای نکونام شروع بدی محسوب نمی‌شد ولی شواهد و قرائن حاکی از چالش‌های زیرپوستی بود که به سرعت عیان شدند. تساوی ۲-۲ برابر پیکان تازه شروع ماجرا بود و بلافاصله بعد از آن باخت به همنام خوزستانی آتش انتقادات و اختلافات را شعله‌ور ساخت. در این



«سهراب»

نوشداروی همیشه‌موقت

با حال و روزی که آبی‌ها در آن زمان داشتند، عملاً کار خاصی نمی‌شد کرد و قاعداً انتخاب یک سرمربی موقت تنها راه چاره به نظر می‌رسید. در بیانیه‌ای که باشگاه استقلال برای رفتن نکونام صادر کرده بود، نام مربی موقت هم به چشم می‌خورد؛ سهراب بختیاری‌زاده. او یک استقلالی قدیمی است که بر خلاف نکونام، معمولاً بی‌حاشیه و بی‌سروصدا به کارش می‌رسد، با این حال بختیاری‌زاده رزومه قوی برای اینکه نفر اول نیمکت استقلال باشد، نداشت و این مسئله ابهامات و انتقاداتی را به وجود آورد. او اگرچه سابقه سرمربیگری در کارنامه داشت ولی در تیم‌های قبلی خود حتی یک پیروزی نیز به دست نیاورده بود، منتها برای آرام کردن اوضاع و سروسامان دادن به تیم از هم‌گسیخته استقلال، سهراب بهترین گزینه به حساب می‌آمد. در اولین گام آبی‌ها ۲ بر یک هوادار را شکست دادند تا قدری از شدت بحران کاسته شود. مصاف با ذوب‌آهن به بختیاری‌زاده نیز شدت بحران را نشان داد. شکست ۳ بر صفر برابر تیم افغانی همه را مطمئن کرد باشگاه به زودی از گزینه خارجی خود رونمایی می‌کند، ولی آن‌ها صبر کردند تا باخت یک بر صفر برابر النصر عربستان نیز رقم بخورد و بعد سرمربی آفریقایی را معرفی کنند. خداحافظی با بختیاری‌زاده خیلی طول نکشید و بهمن ماه دوباره مسئولیت تیم به او سپرده شد. دفعه قبل تنها سه بازی به او فرصت دادند ولی این‌بار سهراب بعد از پنج بازی خودش ساز جدایی کوک کرد چرا که می‌دانست نه کاری از دستش برمی‌آید و نه قرار است به صورت دائمی روی نیمکت بماند. پیروزی ۲ بر صفر مقابل استقلال خوزستان، برد ۲ بریک برابر شمس‌آذر در جام‌حذفی، برد ۲ بر صفر مقابل الریان در لیگ‌نخبگان و دو تساوی برابر الشرطه عراق و مس‌فنجستان، عملکرد بختیاری‌زاده در این مدت بود. پس از جدایی خودخواسته او، محمد نوازی مربی موقت تیم شد.



«موسیمانه» استاد تساوی و آقای پولکی!

نداشت. همچنین موسیمانه هنوز نایمده هت‌تریک کرد و با سه باخت متوالی به همه نشان داد این کاره نیست. استقلال در حالی در ۹ بازی لیگ ۱۶ گل خورده داشت که فصل قبل مجموعاً ۱۵ گل خورده در کارنامه این تیم ثبت شده بود! برد یک بر صفر در جدال با مس‌فنجستان اهمیت دوچندان داشت؛ ثبت اولین پیروزی خانگی فصل برای استقلال و اولین برد تیم با مرد آفریقایی. دو تساوی متوالی برابر پاختاکور و الاهلی، ضعف‌های تیم موسیمانه را در آسیا به همه نشان داد. چهار تساوی بی‌دری (گل‌گهر، اومینیوم، چادرملو و سپاهان) پایان بخش نیم‌فصل اول برای آبی‌های بحران زده بود. در اقدامی عجیب و در تعطیلات پر فصل موسیمانه تمرینات تیم را هشت روز تعطیل کرد! این تصمیم جنجالی نشان داد سرمربی آفریقایی فکرهای دیگری در سر دارد و متأسفانه عملکرد مدیران باشگاه نیز اجازه اتخاذ تصمیمات قانونی را به او داد. باخت به شمس‌آذر و توقف برابر ملوان کافی بود تا موسیمانه نیز همانند دیگر خارجی‌های پولکی تأخیر مدیران باشگاه در پرداخت دستمزدش را بهانه کند و بناً تسخ یک‌طرفه قرارداد خود و دستیارانش، از تهران برود، به همین راحتی در آستانه بازی‌های هفته هجدهم لیگ، آبی‌ها دوباره بدون سرمربی شدند. مرد آفریقایی بابت تأخیر و جریمه دستمزدش درخواست پرداخت غرامت یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار کرده است که تاجرنیا، نماینده تام‌الاختیار هلدینگ خلیج‌فارس جدایی تحقیرآمیز سرمربی آفریقایی را سبب خیر خواند!



«جباری» تازه‌وارد امیدوار

جسارت مجتبی جباری ستودنی است. هافبک سابق تیم فوتبال استقلال به عنوان هفتمین سرمربی این تیم در فصل جاری انتخاب شد تا آبی‌های تهران در فصلی که گزینه سقوط به لیگ دسته اول شدند، یک رکورد عجیب از خود به جا بگذارند، اما او خوب می‌داند که در چه موقعیتی هدایت آبی‌پوشان را به دست گرفته است؛ در سه هفته تا پایان فصل و زمانی که استقلال با کسب ۳۰ امتیاز از شش بر ۱۲، مساوی و ۹ باخت، به واسطه تفاضل گل بهتر از همنام خوزستانی خود رده یازدهم جدول را در اختیار دارد؛ تیمی که با ادعای قهرمانی لیگ را آغاز کرد اما فاصله‌اش با قعر جدول (۱۰ امتیاز) به مراتب کمتر از صدر جدول (۳۱ امتیاز) است، با وجود این جباری همچنان به پایانی متفاوت امیدوار است، خصوصاً که در نخستین تجربه حضور خود به عنوان سرمربی روی نیمکت آبی‌پوشان این تیم نه فقط بعد از مدت‌ها رنگ برد به خود دید که با برتری مقابل پیکان در یک چهارم نهایی جام حذفی، به نیمه‌نهایی این رقابت‌ها راه یافت. در چنین شرایطی باید هم جباری از آمدن برای ماندن بگوید: «شرایط استقلال ویژه است و همه از آن مطلع هستند. شرایطی رخ داده که در تاریخ باشگاه استقلال بی‌سابقه بوده است. در شرایط حساسی هستیم و تیم ما به خوبی می‌داند جام حذفی چقدر مهم است. نصف راه را آمده‌ایم و امیدوارم در جام حذفی نتیجه خوبی بگیریم. نتیجه خوب برای ما کسب قهرمانی در جام حذفی است. برای بازیکنان کار کردن با این همه ایده سخت است. بازیکنان بیشتری فشار را تحمل می‌کند و مقصر نیست. خیلی از مسئولان مقصر هستند. هر فرد دیگری می‌آمد شناخت کافی نداشت اما من شناخت بهتری داشتم. چیزی که من را امیدوار کرد، دلگرمی می‌دیدم که است، هر چند خوب می‌دانم موفقیت استقلال در یک پیروزی خلاصه نمی‌شود.»



«بوژوویچ» طوفانی که هرگز نوزید!

تحولات قابل توجه استقلال خوزستان دلیل خوبی بود تا آبی‌پوشان تهرانی دست روی سرمربی مستعفی همنام اهوازی خود در لیگ بگذارند. بوژوویچ آبی‌پوشان اهوازی را که سال گذشته کاندیدای سقوط به دسته یک بودند متحول کرده بود اما برخلاف تصور نتوانست سناریوی موفق برای استقلال بحران زده بنویسد، به طوری که طی ۹۹ دیدار، حتی یک برد هم کسب نکرد و دست آخر نیز با کارنامه‌ای نامیدکننده شامل پنج تساوی و چهار باخت، دانستند در این تیم به نقطه پایان رسید. صد البته که این مربی ۵۶ ساله مونته‌نگرویی در یکی از ملتهب‌ترین مقاطع تاریخ استقلال سکان هدایت این تیم را به دست گرفت؛ درست زمانی که استقلال پس از چند تغییر متوالی و البته ناموفق در کادرفنی و مدیریتی، در آستانه دربی ۱۰۵ قرار داشت. نظری‌جویباری و تاجرنیا که وعده حضور والتر ماتزاری، سرمربی باتجربه ایتالیایی را به هواداران خود داده بودند، در اقدامی شتاب‌زده، سرمربی وقت استقلال خوزستان را به خدمت گرفتند، آن هم تنها چند روز مانده به حساس‌ترین بازی نیم‌فصل. بوژوویچ دقیقاً هشتم اسفند ۱۴۰۳ (هفته بیست‌ونیم) روی نیمکت آبی‌پوشان پایتخت نشست و کارش را با شکست در دربی آغاز کرد؛ درست زمانی که بسیاری از هواداران استقلال حتی نام او را به درستی نمی‌دانستند، هرچند تساوی برابر النصر عربستان در تهران کورسوی امیدی ایجاد کرد اما شکست در بازی برگشت و تساوی کسل‌کننده مقابل ذوب‌آهن نشان داد بوژوویچ هم نتوانسته است سبختار تاکتیکی منسجمی را برای استقلال تعریف کند، به طوری که او و چهار بازی نخست تنها دو امتیاز از دو تساوی و



«نوازی» برنده ناکام!

محمد نوازی بعد از دومین حضور سهراب بختیاری‌زاده روی نیمکت استقلال در طول یک فصل بود که به عنوان مربی موقت انتخاب شد. او کارش را با برتری مقابل نساجی آغاز کرد اما مدیران استقلال بی‌توجه به نتیجه کسب شده در نخستین تجربه مربیگری نوازی در استقلال به دنبال گزینه خارجی بودند. نوازی که ابتدای فصل به عنوان دستیار نکونام کارش را در این تیم آغاز کرده بود، در ادامه به عنوان دستیار بختیاری‌زاده و موسیمانه نیز روی نیمکت نشست ولی هرگز تصورش را نمی‌کرد روزی در این فصل فرارسد که او نفر نخست کادرفنی آبی‌پوشان پایتخت شود، اما بعد از قهر سهراب، مدیریت باشگاه چاره‌ای جز سپردن زمام امور تیم به او تا انتخاب سرمربی جدید نداشت، ولی درست زمانی که استقلال در حال عبور از دوران پرتحول خود (تغییرات مدیریتی و فنی) بود، سهراب بختیاری‌زاده قید حضور در استقلال را زد تا محمد نوازی به عنوان مربی موقت آبی‌پوشان معرفی شود و هدایت این تیم را در بازی با نساجی به عهد گیرد؛ دیداری که با برتری یک بر صفر استقلال خاتمه یافت. نوازی چهارمین مربی فصل استقلال بود که در یکی از حساس‌ترین زمان‌ها هدایت این تیم را به دست گرفت. پیروزی قبل از دربی برای استقلال اهمیت بسیار داشت و استقلال نوازی موفق شد قبل از مصاف با پرسپولیس در نیم‌فصل نخست، نساجی را در آزادی شکست دهد، اما با وجود این برد، نوازی در دربی انتخاب سرمربی جدید ناچار به جمع کردن چمدان هایش شد چرا که بوژوویچ برخلاف سایر مربیان، تمایلی به همکاری با نوازی نداشت، هر چند برخی نیز مدعی بودند مصاحبه تند نوازی علیه باشگاه در خصوصی انتصاب سرمربی در فاصله ۲۴ ساعت در دربی زمینه‌ساز این جدایی شده است، اما سرانجام نوازی که اجازه همراهی با استقلال در بازی با ذوب‌آهن را نداشت، ۲۹ اسفند رسماً از استقلال کنار گذاشته شد.

